

شرق

روزنامه

فرهنگ ایرانی

زنان و زبان معماری معاصر	صفحه ۸
«آری» به استقلال، اما «نه» از سر ملی‌گرایی	صفحه ۹
با «هوشنگ مرادی کرمانی» درباره کودکی، زندگی، درس و مرگ	صفحه ۱۰

گزارش

مدرکی که به کار نمی‌آید

همه‌چیز جوری پیش می‌رود یا پیش برده می‌شود که دانش آموزان در سال آخر دوره متوسطه در بهترین شرایط ممکن باشند و بتوانند در دانشگاه پذیرفته شوند؛ هرچند امروزه با گسترش دانشگاه‌های طاق و جفت، ورود به دانشگاه کار دشواری محسوب نمی‌شود. کنکور برگزار می‌شود و دانش‌آموز فرضی حالا دانشجوی فرضی است؛ دانشجویی که در هیچ مرحله‌ای از تحصیلش به این موضوع دقت نشده که قرار است بعد از تمام‌شدن درش چ‌ه کند. خیلی محتمل است دانشجوی مذکور تحصیلاتش را ادامه بدهد که این هم باتوجه به موج رو به فرونی کلاس‌های کنکور ارشد و... و دانشگاه‌هایی که بهسادگی مدارک عالی می‌دهند، چندان سخت نیست. در نهایت بعد از گذشته حدود شش‌سال دانش‌آموز دیروز می‌شود فارغ‌التحصیل امروز با یک مدرک فوق‌لیسانس. حالا چه کند؟ می‌شود دوباره تلاش کند و ادامه دهد و در نهایت مدرکش را به دکتر ارتقا دهد یا همین‌جا بایستد و فکر کند که با این مدرکی که دستش دارد چه می‌تواند بکند. ماجرا اما به این سادگی نیست. با توجه به آمارهای منتشرشده احتمال بالایی وجود دارد که جوان مذکور دستش به جایی بند نشود و به خیل پروپیمان بیکاران‌پیوندد.

آماری از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره وضعیت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های گوناگون منتشر شده که استناد آن به نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۰ مرکز آمار ایران است.

بر اساس این آمار، مجموعاً ۷۶۸ هزار و ۵۱ نفر بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاهی در ایران وجود دارد که از این تعداد ۲۰۷ هزار و ۳۱۰ نفر دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۵۰۵ هزار و ۱۰ نفر دارای مدرک لیسانس، ۵۲ هزار و ۱۶۹ نفر فوق‌لیسانس و دکتری حرفه‌ای و سه‌هزار و ۲۸۸ نفر نیز دارای مدرک دکتری تخصصی هستند.



با وجودی که در زمان انتخاب رشته افراد آنقدر هیجان‌زده‌اند که کمتر به موضوع اشتغال در آینده فکر می‌کنند، اما اینکه افراد در چه رشته‌ای در دانشگاه تحصیل کرده باشند، می‌تواند روی بیکارم‌اندن آنها در آینده یاسر کاررفتن آنها مؤثر باشد کم‌اینکه رشته‌های علوم انسانی و هنر، علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق و مهندسی ساخت و تولید دارای بیشترین تعداد بیکاران در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارند.

تعداد بیکاران در میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، ساخت و تولید ۲۵۱ هزار و ۴۰۲ نفر است. این رشته بیشترین تعداد بیکاران را به خود اختصاص داده است. پس از آن ۲۲۲ هزار و ۱۱۲ نفر بیکار فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق قرار دارند.

مردان اقبال‌ترند

بر اساس آمارهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مردان نسبت به زنان از اقبال بیشتری برای یافتن شغل برخوردارند کم‌اینکه تعداد بیکاران مرد از مجموع بیش از ۷۶۸ هزارنفر بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاهی، ۳۳۲ هزار و ۷۴۰ نفر است. ۴۰۴ هزار و ۳۱۱ نفر بیکار فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق قرار دارند.

بالاترین تعداد مردان بیکار در رشته مهندسی، ساخت و تولید قرار دارد که تعداد آنها ۱۷۸ هزار و ۴۶۱ نفر است. بیشترین تعداد زنان بیکار نیز با ۱۳۴ هزار و ۷۹۱ نفر در رشته علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق تحصیل کرده‌اند. مجموعاً صد‌هزار و ۹۱۲ نفر مرد و زن در رشته‌های علوم انسانی و هنر بیکار هستند و ۷۶ هزار و ۱۹۱ نفر نیز در علوم، ریاضی و کامپیوتر جزو بیکاران محسوب می‌شوند.

۳۸ هزار و ۴۳۸ نفر در رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی، ۲۵ هزار و ۹۹۷ نفر در رشته‌های بهداشت و رفاه (بهری‌سنی) و ۱۷ هزار و ۴۰۷ نیز در رشته خدمات بیکار هستند.

دکترای تخصصی هم بیکار است

با وجودی که تصور می‌شود داشتن مدرک بالای دانشگاهی تضمینی برای یافتن شغل است، آمارها چندان خوشحال‌کننده نیستند. بر اساس اطلاعات منتشرشده، از ۵۲ هزار و ۱۶۹ نفر بیکار فوق‌لیسانس و دکتری حرفه‌ای، ۱۱ هزار و ۸۶ نفر در رشته‌های علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق تحصیل کرده‌اند و ۱۲ هزار و ۳۵۳ نفر نیز دارای مدرک رشته‌های مهندسی، تولید و ساخت هستند. ۹۰ هزار و ۶۰۷ نفر نیز در رشته علوم، ریاضی و کامپیوتر و شش‌هزار و ۷۸۱ نفر نیز در رشته علوم انسانی و هنر بوده‌اند. سهم سایر رشته‌ها از موارد یادشده کمتر بوده است.

در نهایت و در یک جمع‌بندی می‌توان به این نتیجه رسید که ۱۲۲ هزار و ۸۳ مرد دارای مدرک فوق‌دیپلم و بیکار هستند، از سوی ۲۱۳ هزار و هفت‌هفت لیسانس، ۲۵ هزار و ۱۷۰ نفر فوق‌لیسانس و دکتری حرفه‌ای و دوهزار و ۲۵۷ نفر نیز دکتری تخصصی دارند. در بین زنان ۸۴ هزار و ۴۴۷ نفر بیکار فوق‌دیپلم، ۲۹۲ هزار و سه‌نفر لیسانس، ۲۶ هزار و ۵۲ نفر فوق‌لیسانس و دکتری حرفه‌ای و هزار و ۳۱۱ نفر نیز دارای مدرک دکتری تخصصی هستند.

۶۵ هزار دیپلمه و ۴۰ هزار لیسانسه جویای کار

موسسات کارایی، مثل هرجای دیگری، در ایران نیز تأسیس شده‌اند؛ این موسسات برای این درست شده‌اند که برای بیکاران شغل پیدا کنند. طبق دستورالعمل نحوه وصول حق‌الزحمه موسسات کارایی غیردولتی داخلی، حق‌الزحمه ثبت‌نام کارجو در موسسات کارایی داخلی چهارهزار تومان و در صورت تمایل کارجو به انجام مشاوره شغلی با او، حق‌الزحمه مشاوره شغلی شش‌هزار تومان تعیین شده است. از آن‌سو، حق‌الزحمه ثبت‌نام در موسسات کارایی خارجی پنج‌هزار تومان و در صورت تمایل کارجو به مشاوره، ۰ هزار تومان تعیین شده است.

اگر یک موسسه کارایی بتواند برای فردی کار پیدا کند، به اندازه ۵۰ درصد حاققل دستمزد اعلام‌شده توسط شورایعالی کار، حق‌الزحمه دریافت می‌کند. البته اگر دستمزد فرد بیشتر از حاققل باشد، ۲۰ درصد تفاوت دستمزد او با کف حقوق، به حق‌الزحمه موسسه کارایی افزوده می‌شود. اگر یک موسسه کارایی شغلی کمتر از یک‌ساله برای کسی پیدا کرد، بر اساس ماه‌های سال حق‌الزحمه دریافت می‌کند و برای شغلی کمتر از یک‌ماهه نیز حق دریافت حق‌الزحمه ندارد. مقرراتی برای اداره‌های کارایی گذاشته شده که مثلاً طبق یکی از بندهای آن، موسسات کارایی اجازه ندارند تا مشخص‌شدن وضعیت یک کارجو پس از معرفی به یک شرکت، او را به شرکت دیگری معرفی کنند. تقریباً برای موسسات کارایی در خارج از کشور نیز چنین قوانینی وجود دارد اما کف حقوق، با تأیید سفارت ایران در کشور خارجی تعیین می‌شود. طبق اعلام وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی ۶۵دفتر مشاوره شغلی و موسسه کارایی غیردولتی خارجی در سراسر کشور وجود دارد که ۲۷ دفتر آن در تهران قرار گرفته است. حدود ۷۵۰ موسسه کارایی داخلی که در ایران فعالیت می‌کند که حدود ۹۰ موسسه آن در تهران مشغول به کارند.

آمار مستقلی از اینکه موسسات کارایی چقدر در پیداکردن موفق بوده‌اند، وجود ندارد اما آمار مقامات دولتی، آنها را بسیار موفق نشان می‌دهند؛ طبق اعلام محمد اکبر نیسا، مدیر کل دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در اردیبهشت امسال با ایرنا مصاحبه کرده بود، در سال ۹۲ تعداد ۵۵۵ هزار و ۸۱۵ کارجو از طریق موسسات کارایی در این شبکه ثبت‌نام کردند که از این تعداد ۲۰۴ هزار و ۴۲۹ نفر به‌کارگمارده شده‌اند. ۶۰ هزار و ۳۵۱ نفر از به کارگمارده‌شدگان زن و ۱۴۳ هزار و ۹۲۴ نفر مرد هستند، ضمن اینکه از ۵۵۵ هزار و کارجوی ثبت‌نام شده در شبکه ملی بازار کار ۱۹۸ هزار و ۹۷۷ نفر زن و ۲۸۶ هزار و ۸۳۸ مردان بوده‌اند. از مجموع حدود ۲۰۴ هزار کارجویی که موسسات کارایی در سال ۹۲ به کار گمارنده، حدود ۱۱ هزارنفر بیسواد، ۱۲ هزارنفر دارای تحصیلات پایان دوره ابتدایی، ۳۳ هزارنفر پایان دوره راهنمایی، ۱۹ هزارنفر متوسطه، ۶۵ هزارنفر دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۷ هزارنفر فوق‌دیپلم، ۴۰ هزارنفر لیسانس و سه‌هزار و ۲۰۰ نفر نیز دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس به‌بالا تر بوده‌اند.

در مساده ۲۱۷ قانون برنامه‌پنجم توسعه تکالیفی برای وزارت کار در نظر گرفته شده که براساس آن پیش‌بینی می‌شود سالانه حداقل ۱۰ درصد میزان کارگماری نیروی کار در موسسات کارایی افزایش یابد. میزان به‌کارگماری کارجویان در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۰۴ هزارنفر بوده است.



عکاس: محمد مومنی، شرق

علی دینی ترکمانی در گفت‌وگو با «شرق»:

بیکاری پنهان از معضلات جامعه ایران است

البته، این دغدغه خانم‌ها دال بر وجود محیط کاری اجتماعی نگران‌کننده در جامعه ماست که باید کاهش یابد. در هر حال، مادام که این وضع وجود دارد، خانم‌ها ترجیح می‌دهند دستمزد کمتری در حلقه آشنایان به‌ازای کار مشابهی دریافت کنند تا در محیط‌های ناآمن کار نکنند. بنابراین از این منظر محیط حاکم، کارکردی منفی برای خانم‌ها دارد و موجب می‌شود برای رفع نگرانی خاطرشان، فرصت‌های بهتر شغلی را نادیده بگیرند. اما در مورد پارتی‌بازی طبیعی است که موجب می‌شود رابطه‌سالاری جای شایسته‌سالاری و ضابطه‌گرایی را بگیرد. در این شرایط، نظام اداری کشور بسیار ضعیف می‌شود. افراد شایسته به دلیل نداشتن رابطه‌ای از گردونه استخدام حذف می‌شوند و این نه تنها به طور مستقیم موجب پایین آمدن بهره‌وری در نظام اداری و ینگاهی کشور می‌شود، بلکه به طور غیرمستقیم نیز موجب افزایش خدائنگیزش‌ها در سطح کلان کشور می‌شود که یکی از پیامدهای آن، فرار مغزها و افول سرمایه انسانی است.

به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها و مراکزی که مدارکی مبتنی بر مهارت شخص در حوزه‌ای می‌دهند، چندان با دقت کارشان را انجام نمی‌دهند؛ یعنی به طور معمول افراد توانایی‌هایی را که این مدارک دانشگاهی مدعی آن هستند، ندارند. این مساله به بازار کار چقدر آسیب می‌زند؟

دلیل این موضع، تأکید بیش از اندازه نظام آموزشی بر دانش صریح و آشکار از سویی و عدم انطباق همین دانش با مسایل عاجل پیش‌روی جامعه از سوی دیگر است. دانش دو نوع دارد. دانش صریح و آشکار که در نظام آموزش دانشگاهی کسب

به نظر می‌رسد بیکاری یا نداشتن شغل جوانان یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصادی است. آیا آمارها نیز چنین فرضیه‌ای را تایید می‌کنند؟ اگر بخواهید شمایی از اشتغال در ایران ارایه دهید، توصیفتان چگونه خواهد بود؟

در ابتدا اجازه می‌خواهم نکته‌ای را درباره اندازه‌گیری میزان بیکاری عرض کنم. این میزان طبق تعریف برابر است با نسبت مابه‌التفاوت جمعیت‌فعال جویای کار و جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال جویای کار. در صورت این کسر، هر چه جمعیت شاغل بیشتر باشد، تعداد بیکاران کمتر و در نتیجه نسبت این تعداد به جمعیت جویای کار که به صورت درصد است کمتر می‌شود. جمعیت شاغل بسته به تعریفی که از شغل منظر قرار می‌گیرد، می‌تواند متغیر باشد. اگر دو ساعت کار در هفته، معیار شاغل‌بودن باشد، در این صورت، تعداد شاغلان افزایش و میزان بیکاری کمتر برآورد می‌شود. اگر معیار دیگری از جمله ۴۰ ساعت کار مبنای محاسبه قرار گیرد میزان بیکاری بیشتر می‌شود. اگر این تعداد ساعات همراه با حداقلی از درآمد که تأمین حداقل‌های زندگی را کند مبنای محاسبه قرار گیرد، میزان بیکاری با بیش از بیست می‌شود. باز اگر، نوع کار را هم در نظر بگیریم، میزان بیکاری دوباره افزایش پیدا می‌کند. برای مثال ممکن است کسی از طریق کوپن‌فروشی در طول هفته شاغل باشد و درآمد خوبی هم داشته باشد اما از نظر کیفیت کار احساس رضایت نکند. بنابراین آمار موجود از جمله اینکه میزان بیکاری حول و حوش ۱۱ درصد است، آمار حداقلی است؛ میزان بیکاری در مبنای ساعات کار و دستمزد مناسب بسیار بیشتر از این است. علاوه بر این، ما باید بیکاری پنهان را هم در نظر بگیریم؛ افرادی که ظاهراً شاغل هستند و ممکن است درآمد خوبی هم داشته باشند اما کار مورد علاقه خود را انجام نمی‌دهند. مانند درصدی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که از طریق رانندگی امرار معاش می‌کنند.

نکته دوم که مرتبط با پرسش شماست، این است که در گروه سنی جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، میزان بیکاری طبق آمار رسمی بیش از ۲۰ درصد است. معنای این تفاوت در میانگین کل کشور با جوانان، این است که آموزش عالی برای چند سالی بخشی از جمعیت فعال را از جمعیت جویای کار خارج می‌کند بنابراین موجب کاهش میزان بیکاری کل کشور می‌شود. اما بعد از چند سال که این جوانان فارغ‌التحصیل و وارد بازار کار می‌شوند، مشکل بیکاری دوباره خود را در ابعاد بالا نشان می‌دهد. مشکل بیکاری جوانان دغدغه مهمی است که باید سریع رفع شود اما واقعیات اقتصاد ما دال بر این است که قدرت اشتغال‌زایی اقتصاد کشور بسیار کمتر از خروجی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. بنابراین، هم میزان بیکاری آشکار و هم بیکاری پنهان در این گروه سنی بالاست و با توجه به رشد اقتصادی منفی سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ بعد است در دو، سه سال آینده بتوان شغلی فراتر از مشاغل جایگزین نیروهای در شرف بازنشستگی ایجاد کرد.

باید کردن شغل در ایران فرآیند عجیبی دارد. به نظر می‌رسد هم کسی که دنبال شغل است و هم کسی که قرار است استخدام کند، به دنبال آشنا می‌گردند و از روال‌های معمول کارایی با موسسات کارایی، کار چندانی بر نمی‌آید. چرا این اتفاق می‌افتد و آفت‌های چنین فرآیندی چیست؟

آشنا دو معنا دارد. اول به معنای فرد مورد اعتماد است. در بخش خصوصی طبیعی است که صاحبان کسب‌وکار کار ترجیح می‌دهند اولویت را به آشنایان خود بدهند؛ هم به دلیل اعتماد بیشتری که با آنان دارند و هم به دلیل ضرورت کمک به افراد نزدیک‌تر خود. در طرف تقاضا هم متقاضیان کار در بخش خصوصی ترجیح می‌دهند با آشنایان خود کار کنند. این موضوع به‌ویژه در مورد خانم‌ها صادق است. دلیل این امر نیز احساس عدم امنیتی است که خانم‌ها در محیط‌های کاری بخش خصوصی دارند.

معنای دوم آشنا، پارتی‌بازی است. هر کسی پارتی بهتری یا بند پ «بهتری داشته باشد، امکان دسترسی به شغل بهتری را دارد. اگر چه سعی شده رویه‌های جذب نیرو در دستگاه‌های مختلف برای مثال از طریق فراخوان‌های عمومی و امتحانات ورودی تا حدی ضابطه‌مند شود اما نمی‌توان منکر وجود بند «پا شد و هنوز حضوری جدی در آن، پیامدهای منفی این پدیده چیست؟ در مورد آشنا از نوع اول، به گمان من تأثیر مثبت دارد. برای مثال، کسب‌وکار خانوادگی کارایی را افزایش می‌دهد و شبکه تعاملات را از طریق اعتمادی که بین اعضا وجود دارد، تقویت می‌کند. همین‌طور موجب تقویت حاشیه‌امنیت به ویژه برای خانم‌ها در محیط‌های کاری می‌شود.



نگار حسینی

این‌روزها روی دیوارهای شهر می‌توان آگهی‌هایی دید از افراد جویای کار. یکی از آنها جوانی است که فوق‌لیسانس دارد و برای یافتن شغل سراپداری اعلام نیاز کرده است... از این موارد به‌وفور می‌توان یافت و البته که بخش مهمی از چنین مسایلی پنهانند. با مروری اجمالی می‌توان دریافت که در حال حاضر تناسب چندانی میان تحصیلات و شغل افراد وجود ندارد. با علی دینی ترکمانی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، درباره وضعیت کنونی بیکاری و یافتن شغل و نامتناسب‌بودن مشاغل و تحصیلات گفت‌وگو کردیم:

به نظر می‌رسد بیکاری یا نداشتن شغل جوانان یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصادی است. آیا آمارها نیز چنین فرضیه‌ای را تایید می‌کنند؟ اگر بخواهید شمایی از اشتغال در ایران ارایه دهید، توصیفتان چگونه خواهد بود؟

در ابتدا اجازه می‌خواهم نکته‌ای را درباره اندازه‌گیری میزان بیکاری عرض کنم. این میزان طبق تعریف برابر است با نسبت مابه‌التفاوت جمعیت‌فعال جویای کار و جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال جویای کار. در صورت این کسر، هر چه جمعیت شاغل بیشتر باشد، تعداد بیکاران کمتر و در نتیجه نسبت این تعداد به جمعیت جویای کار که به صورت درصد است کمتر می‌شود. جمعیت شاغل بسته به تعریفی که از شغل منظر قرار می‌گیرد، می‌تواند متغیر باشد. اگر دو ساعت کار در هفته، معیار شاغل‌بودن باشد، در این صورت، تعداد شاغلان افزایش و میزان بیکاری کمتر برآورد می‌شود. اگر معیار دیگری از جمله ۴۰ ساعت کار مبنای محاسبه قرار گیرد میزان بیکاری بیشتر می‌شود. اگر این تعداد ساعات همراه با حداقلی از درآمد که تأمین حداقل‌های زندگی را کند مبنای محاسبه قرار گیرد، میزان بیکاری با بیش از بیست می‌شود. باز اگر، نوع کار را هم در نظر بگیریم، میزان بیکاری دوباره افزایش پیدا می‌کند. برای مثال ممکن است کسی از طریق کوپن‌فروشی در طول هفته شاغل باشد و درآمد خوبی هم داشته باشد اما از نظر کیفیت کار احساس رضایت نکند. بنابراین آمار موجود از جمله اینکه میزان بیکاری حول و حوش ۱۱ درصد است، آمار حداقلی است؛ میزان بیکاری در مبنای ساعات کار و دستمزد مناسب بسیار بیشتر از این است. علاوه بر این، ما باید بیکاری پنهان را هم در نظر بگیریم؛ افرادی که ظاهراً شاغل هستند و ممکن است درآمد خوبی هم داشته باشند اما کار مورد علاقه خود را انجام نمی‌دهند. مانند درصدی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که از طریق رانندگی امرار معاش می‌کنند.

نکته دوم که مرتبط با پرسش شماست، این است که در گروه سنی جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، میزان بیکاری طبق آمار رسمی بیش از ۲۰ درصد است. معنای این تفاوت در میانگین کل کشور با جوانان، این است که آموزش عالی برای چند سالی بخشی از جمعیت فعال را از جمعیت جویای کار خارج می‌کند بنابراین موجب کاهش میزان بیکاری کل کشور می‌شود. اما بعد از چند سال که این جوانان فارغ‌التحصیل و وارد بازار کار می‌شوند، مشکل بیکاری دوباره خود را در ابعاد بالا نشان می‌دهد. مشکل بیکاری جوانان دغدغه مهمی است که باید سریع رفع شود اما واقعیات اقتصاد ما دال بر این است که قدرت اشتغال‌زایی اقتصاد کشور بسیار کمتر از خروجی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. بنابراین، هم میزان بیکاری آشکار و هم بیکاری پنهان در این گروه سنی بالاست و با توجه به رشد اقتصادی منفی سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ بعد است در دو، سه سال آینده بتوان شغلی فراتر از مشاغل جایگزین نیروهای در شرف بازنشستگی ایجاد کرد.

باید کردن شغل در ایران فرآیند عجیبی دارد. به نظر می‌رسد هم کسی که دنبال شغل است و هم کسی که قرار است استخدام کند، به دنبال آشنا می‌گردند و از روال‌های معمول کارایی با موسسات کارایی، کار چندانی بر نمی‌آید. چرا این اتفاق می‌افتد و آفت‌های چنین فرآیندی چیست؟

آشنا دو معنا دارد. اول به معنای فرد مورد اعتماد است. در بخش خصوصی طبیعی است که صاحبان کسب‌وکار کار ترجیح می‌دهند اولویت را به آشنایان خود بدهند؛ هم به دلیل اعتماد بیشتری که با آنان دارند و هم به دلیل ضرورت کمک به افراد نزدیک‌تر خود. در طرف تقاضا هم متقاضیان کار در بخش خصوصی ترجیح می‌دهند با آشنایان خود کار کنند. این موضوع به‌ویژه در مورد خانم‌ها صادق است. دلیل این امر نیز احساس عدم امنیتی است که خانم‌ها در محیط‌های کاری بخش خصوصی دارند.

معنای دوم آشنا، پارتی‌بازی است. هر کسی پارتی بهتری یا بند پ «بهتری داشته باشد، امکان دسترسی به شغل بهتری را دارد. اگر چه سعی شده رویه‌های جذب نیرو در دستگاه‌های مختلف برای مثال از طریق فراخوان‌های عمومی و امتحانات ورودی تا حدی ضابطه‌مند شود اما نمی‌توان منکر وجود بند «پا شد و هنوز حضوری جدی در آن، پیامدهای منفی این پدیده چیست؟ در مورد آشنا از نوع اول، به گمان من تأثیر مثبت دارد. برای مثال، کسب‌وکار خانوادگی کارایی را افزایش می‌دهد و شبکه تعاملات را از طریق اعتمادی که بین اعضا وجود دارد، تقویت می‌کند. همین‌طور موجب تقویت حاشیه‌امنیت به ویژه برای خانم‌ها در محیط‌های کاری می‌شود.